



# فرمول پلیستا



## عربی ۳

پایه دوازدهم  
رشته‌های  
تجربی و ریاضی

مؤلف کتاب  
خدیجه علی پور

مدرس ویدئویی  
وهاب اصغری

## واژگان

بخش  
۵/۵  
تفصیل

| درس اول                  |
|--------------------------|
| بسته ۱: معنی کلمات ۱۰۰   |
| بسته ۲: کلمات مترادف ۱۰۶ |
| بسته ۳: کلمات متضاد ۱۰۷  |
| بسته ۴: جمع مکسر ۱۰۹     |
| بسته ۵: انواع اسم ۱۱۱    |
| درس دوم                  |
| بسته ۱: معنی کلمات ۱۱۳   |
| بسته ۲: کلمات مترادف ۱۱۹ |
| بسته ۳: کلمات متضاد ۱۲۰  |
| بسته ۴: جمع مکسر ۱۲۲     |
| بسته ۵: انواع اسم ۱۲۴    |
| درس سوم                  |
| بسته ۱: معنی کلمات ۱۲۶   |
| بسته ۲: کلمات مترادف ۱۳۲ |
| بسته ۳: کلمات متضاد ۱۳۳  |
| بسته ۴: جمع مکسر ۱۳۴     |
| بسته ۵: انواع اسم ۱۳۶    |
| درس چهارم                |
| بسته ۱: معنی کلمات ۱۳۹   |
| بسته ۲: کلمات مترادف ۱۴۵ |
| بسته ۳: کلمات متضاد ۱۴۵  |
| بسته ۴: جمع مکسر ۱۴۸     |
| بسته ۵: انواع اسم ۱۴۹    |

## ترجمه فعل

بخش  
۱  
تفصیل

|                                  |
|----------------------------------|
| قسمت ۱: کادرهای آموزشی ۱۰        |
| قسمت ۲: تمرین کتاب درسی ۲۵       |
| قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی ۲۹ |

## ترجمه و درک مطلب

بخش  
۲  
تفصیل

| درس اول            |
|--------------------|
| بسته ۱: متن درس ۳۴ |
| بسته ۲: إعلموا ۴۰  |
| بسته ۳: تمرین ۴۴   |
| درس دوم            |
| بسته ۱: متن درس ۴۹ |
| بسته ۲: إعلموا ۵۵  |
| بسته ۳: تمرین ۵۸   |
| درس سوم            |
| بسته ۱: متن درس ۶۵ |
| بسته ۲: إعلموا ۷۵  |
| بسته ۳: تمرین ۷۸   |
| درس چهارم          |
| بسته ۱: متن درس ۸۳ |
| بسته ۲: إعلموا ۹۰  |
| بسته ۳: تمرین ۹۲   |

## پاسخ‌نامه تشریحی

|     |                                |
|-----|--------------------------------|
| ۱۸۸ | بخش ۱: ترجمه فعل               |
| ۱۹۰ | بخش ۲: ترجمه و درک مطلب        |
| ۲۰۵ | بخش ۳: واژگان                  |
| ۲۲۳ | بخش ۴: قواعد                   |
| ۲۲۸ | بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی |

## امتحان نهایی

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۲۳۴ | آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۳       |
| ۲۳۶ | آزمون ۲: مرداد ماه ۱۴۰۳       |
| ۲۳۸ | آزمون ۳: خرداد ماه ۱۴۰۴       |
| ۲۴۰ | آزمون ۴: مرداد ماه ۱۴۰۴       |
| ۲۴۲ | آزمون ۵: تیرماه ۱۴۰۵          |
| ۲۴۵ | پاسخ‌نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵ |

## قواعد

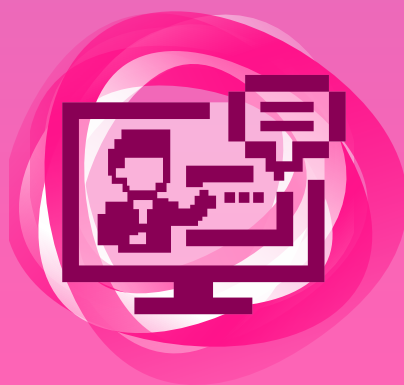
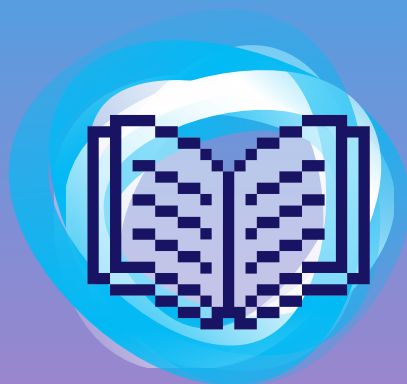
|           |                                  |
|-----------|----------------------------------|
| درس اول   |                                  |
| ۱۵۲       | بسته ۱: حروف مشبّهه بالفعل       |
| ۱۵۵       | بسته ۲: (لا)ی نفی جنس            |
| درس دوم   |                                  |
| ۱۵۸       | بسته ۱: حال (قید حالت)           |
| ۱۶۲       | بسته ۲: نکات ترجمه               |
| درس سوم   |                                  |
| ۱۶۳       | بسته ۱: ادات استثناء             |
| ۱۶۵       | بسته ۲: نکات ترجمه               |
| درس چهارم |                                  |
| ۱۶۶       | بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی |
| ۱۶۸       | بسته ۲: نکات ترجمه               |

## تحلیل صرفی و اعراب

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۱۷۰ | قسمت ۱: تحلیل صرفی        |
| ۱۷۳ | قسمت ۲: محل اعرابی        |
| ۱۷۷ | قسمت ۳: سؤالات درس به درس |



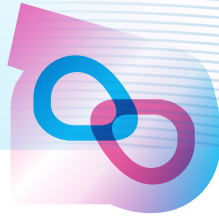
[www.gajlive.ir](http://www.gajlive.ir)





## لینک ویدیوهای آفلاین کلاس سالیانه عربی ۱۲ گاج لایو

|                                                                                                |                                                                                                                                                 |                                                                                                |                                                                                                                                                                               |
|------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <br>جلسه ۱۱   | ■ مرور قواعد درس ۳ (دقیقه ۷ تا ۲۲)<br>■ حل تمرین مبحث استثناء (دقیقه ۲۲ تا ۶۰)<br>■ ترجمه و سؤالات متن درس ۳ (دقیقه ۶۰ تا پایان)                | <br>جلسه ۱    | ■ آنالیز امتحان نهایی (دقیقه ۸ تا ۱۸)<br>■ آموزش حروف مشبهة بالفعل (دقیقه ۱۸ تا ۷۲)<br>■ آموزش محل اعرابی (دقیقه ۷۲ تا پایان)                                                 |
| <br>جلسه ۱۲   | ■ حل و تحلیل تمرینات درس ۳ (دقیقه ۴ تا پایان)                                                                                                   | <br>جلسه ۲    | ■ آموزش انواع «لا» و «لا»ی نفی جنس (دقیقه ۴ تا ۴۵)<br>■ خودآزمایی‌های درس ۱ (دقیقه ۴۵ تا ۶۵)<br>■ مرور محل اعرابی (دقیقه ۶۵ تا ۸۰)                                            |
| <br>جلسه ۱۳   | ■ آموزش مفعول مطلق، حل تمرین و خودآزمایی درس ۴ (دقیقه ۷ تا ۶۷)<br>■ مرور قواعد و تمرین محل اعرابی (دقیقه ۶۸ تا ۷۵)                              | <br>جلسه ۳    | ■ مرور قواعد درس ۱ (دقیقه ۱۲ تا ۱۶)<br>■ مرور محل اعرابی (دقیقه ۱۸ تا ۳۲)<br>■ حل تمرین درس ۱ (دقیقه ۳۲ تا ۴۱)<br>■ آموزش انواع اسم و اسم‌های وزن‌دار (دقیقه ۴۱ تا پایان)     |
| <br>جلسه ۱۴  | ■ مرور و تکمیل قواعد درس ۴ (دقیقه ۲ تا ۳۶)<br>■ تمرینات درس ۴ کتاب درسی (دقیقه ۳۶ تا ۸۶)                                                        | <br>جلسه ۴   | ■ کدگذاری سؤالات انواع اسم (دقیقه ۲ تا ۳۷)<br>■ ترجمه و سؤالات متن درس ۱ (دقیقه ۳۷ تا ۵۶)<br>■ تمرینات ۱ تا ۴ درس ۱ (دقیقه ۵۶ تا ۷۷)<br>■ آموزش ترجمه فعل (دقیقه ۷۸ تا پایان) |
| <br>جلسه ۱۵ | ■ ترجمه و سؤالات متن درس ۴ (دقیقه ۳ تا ۵۲)<br>■ حل و تحلیل تمرینات درس ۴ (دقیقه ۵۲ تا ۷۳)<br>■ تمرین محل اعرابی و ترجمه فعل (دقیقه ۷۳ تا پایان) | <br>جلسه ۵  | ■ مرور و تمرین ترجمه فعل (دقیقه ۴ تا ۲۲)<br>■ تمرینات ۵ تا انتهای درس ۱ (دقیقه ۲۲ تا ۵۹)<br>■ تدریس حال و خودآزمایی‌های درس ۲ (دقیقه ۶۰ تا پایان)                             |
| <br>جلسه ۱۶ | ■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۱ (دقیقه ۱۰ تا پایان)                                                                                | <br>جلسه ۶  | ■ مرور و تکمیل حال و حل تمرین (دقیقه ۴ تا ۶۶)<br>■ تمرینات ۱ تا ۳ درس ۲ (دقیقه ۶۶ تا ۹۶)                                                                                      |
| <br>جلسه ۱۷ | ■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۲ (دقیقه ۸ تا پایان)                                                                                 | <br>جلسه ۷  | ■ تکمیل تمرینات درس ۲ (دقیقه ۵ تا ۷۰)<br>■ ترجمه و سؤالات متن درس ۲ (دقیقه ۷۱ تا ۸۱)                                                                                          |
| <br>جلسه ۱۸ | ■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۳ (دقیقه ۲ تا پایان)                                                                                 | <br>جلسه ۸  | ■ جمع‌بندی نیمسال اول (دقیقه ۱ تا پایان)                                                                                                                                      |
| <br>جلسه ۱۹ | ■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۴ (دقیقه ۹ تا پایان)                                                                                 | <br>جلسه ۹  | ■ حل، تحلیل و مرور سؤالات قواعدی و تکنیک ترجمه نیمسال اول (دقیقه ۱ تا پایان)                                                                                                  |
|                                                                                                |                                                                                                                                                 | <br>جلسه ۱۰ | ■ آموزش «استثناء» و خودآزمایی‌های درس ۳ (دقیقه ۱۰ تا پایان)                                                                                                                   |



لینک ویدیوهای آفلاین کلاس جمع‌بندی عربی ۱۲ (زودیز)

|                                                                                              |                                       |                                                                                              |                                       |
|----------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|
| <br>جلسه ۵  | ■ انواع فعل (ترجمه و تشخیص) - بخش دوم | <br>جلسه ۱  | ■ جمع‌بندی قواعد درس ۱ تا ۴           |
| <br>جلسه ۶  | ■ انتخاب فعل مناسب<br>■ تحلیل صرفی    | <br>جلسه ۲  | ■ نقش‌شناسی و محل اعرابی              |
| <br>جلسه ۷  | ■ مرور و حل تمرین                     | <br>جلسه ۳  | ■ انواع اسم                           |
| <br>جلسه ۸ | ■ جمع‌بندی شب امتحان                  | <br>جلسه ۴ | ■ انواع فعل (ترجمه و تشخیص) - بخش اول |

اسکن کن QR Code ها رو

دریافت ۸ دوره آزمون تألیفی درس به درس  
مطابق با آخرین سبک امتحانات نهایی

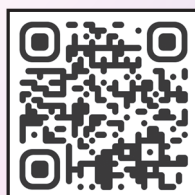
لینک‌های دریافت برای پیام‌رسان‌های تلگرام، ایتا و بله در دسترس شماست



@ble.ir/gajlive

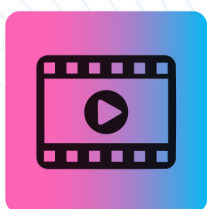


@t.me/gaj\_ir



@eitaa.com/gajlive





۴۰ ساعت آموزش  
ویدئویی



کتاب  
الکترونیکی

فرمول ۲۰ هیبرید یک کتاب نیست  
یک دوره آموزشی کامل است



به دنیای هیبرید گاج  
کد اختصاصی ورود



[www.gajlive.ir](http://www.gajlive.ir)

| بخش ۱  | بخش ۲    | بخش ۳    | بخش ۴     | بخش ۵     |
|--------|----------|----------|-----------|-----------|
| ۲ نمره | ۹/۵ نمره | ۵/۵ نمره | ۲۵/۱ نمره | ۷۵/۱ نمره |

# ترجمه فعل



# قسمت

## کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمه انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. (علاوه بر این ۲ نمره مستقیم، نکات ترجمه فعل در سؤالات ترجمه آیات و عبارات نیز کاربرد زیادی دارد.) در این قسمت همه نکات مربوط به ترجمه فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

### ایستگاه سؤال

#### ترجم الأفعال التالية:

۱. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← تَعَلَّمْنَا درساً لَنْ نُنْسَاهُ. (خرداد ۱۴۰۳)
۲. عَلِمَ (دانست) ← عَلِمْتُ الْأَشْرَارَ. (دی ۱۴۰۲)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

#### انتخب الصحيح:

۷. زُمَلَائِي ..... فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِداً. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۸. شَبَابُنَا عَلَّمَ إِيْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ. (خرداد ۱۴۰۲)
۹. الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمُبَارَاةِ عَلِمَ إِيْرَانَ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۰. نَحْنُ ..... بَيْتاً جَمِيلاً مِنَ الْخَشَبِ. (خرداد ۹۸)
۱۱. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (دی ۹۸)
۱۲. إِنَّا نَحْنُ ..... عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً. (دی خارج ۹۹)

### پاسخ سؤالات

۱. آموختیم
۲. دانستی
۳. نشست
۴. نامه‌نگاری کردند
۵. برید
۶. کمک کردم
۷. گزینه «۲»: «زُمَلَاءُ» جمع مکسر و مذکر عاقل است و فعل «حَصَرُوا» مناسب جای خالی است.

### ماضی ساده



• فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

✎ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناخت آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغه مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

| فعل ماضی    | شناسه | ضمیر            | ترجمه  |
|-------------|-------|-----------------|--------|
| جَلَسْتُ    | تُ    | أَنَا (من)      | نشستم  |
| جَلَسْتَ    | تَ    | أَنْتَ (تو)     | نشستی  |
| جَلَسْتِ    | تِ    | أَنْتِ (تو)     |        |
| جَلَسْنَا   | نا    | نَحْنُ (ما)     | نشستیم |
| جَلَسْتُمَا | تُما  | أَنْتُمَا (شما) | نشستید |
| جَلَسْتُمْ  | تُمْ  | أَنْتُمْ (شما)  |        |
| جَلَسْتُنَّ | تُنَّ | أَنْتُنَّ (شما) |        |
| جَلَسَا     | ا     | هُمَا (آن‌ها)   | نشستند |
| جَلَسَتَا   | ا     | هُمَا (آن‌ها)   |        |
| جَلَسُوا    | و     | هُمْ (آن‌ها)    |        |
| جَلَسْنَ    | نَ    | هُنَّ (آن‌ها)   |        |

✎ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ت» نشانه مؤنث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)

۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← ما أَرْسَلَ. (دی ۹۹)
۱۴. شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئًا. (خرداد ۹۹)
۱۵. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هي ما اجْتَهَدَتْ. (خرداد ۹۹)
۱۶. عَلِمَ (دانست) ← لَمْ يَعْلَمُوا شَأْنَ وَالِدِهِمْ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۷. عَلَّمَ (یاد داد) ← ما عَلَّمْتَنِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۸. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لَمْ يُسَاعِدْ صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۹. أَنْقَذَ (نجات داد) ← هُوَ لَمْ يَنْقِذْ شَخْصًا. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۲۰. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۲۱. صَرَبَ (زد) ← لَمْ يَصْرِبْنِي. (دی خارج ۹۹)
۲۲. صَلَحَ (تعمیر کرد) ← هُوَ لَمْ يُصْلِحْ جَرَّارَتَهُ. (شهریور ۱۴۰۱)
۲۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَمْ يَتَكَلَّمَا. (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُم لَمْ يُسَاعِدُوا. (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۵. شَجَعَ (تشویق کرد) ← لَمْ يُشَجِّعْنِي. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۶. أَجْلَسَ (نشاندید) ← هُم لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ. (دی ۹۸)
۲۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. (خرداد ۱۴۰۱)
۲۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۲۹. مَاشَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ. (دی ۹۷)
- (۱) مشاهده می‌کردم
- (۲) مشاهده نکردم
- (۳) مشاهده نمی‌کنم
۳۰. عَفَرَ (آمرزید) ← لَمْ يَعْفُرْ. (آذر ۱۴۰۱)

#### پاسخ سؤالات

۱. یاد نکرد (ما + ذَكَرْتُ ← (ماضی منفی))
۲. حاضر نشد، حاضر نشده است (لَمْ + يَحْضُرُ ← لَمْ يَحْضُرْ (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
۳. یاد نکردی، یاد نکرده‌ای (لَمْ + تَذَكَّرِينَ ← لَمْ تَذَكَّرِي (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
۴. به‌دست نیاوردیم، به‌دست نیاورده‌ایم (لَمْ + نَكْتَسِبُ ← لَمْ نَكْتَسِبْ (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
۵. بالا نرفت، بالا نرفته است (لَمْ + تَصْعَدُ ← لَمْ تَصْعَدْ (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
۶. نپریدم (ما + قَفَرْتُ ← ما قَفَرْتُ (ماضی منفی))
۷. اجازه ندادیم، اجازه نداده‌ایم (لَمْ + نَسْمَحُ ← لَمْ نَسْمَحْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۸. تلاش نکرد، تلاش نکرده است (لَمْ + تَجْتَهِدُ ← لَمْ تَجْتَهِدْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۹. فرا نگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۱۰. آموزش نخواست (ما + اسْتَغْفَرْتُ ← ما اسْتَغْفَرْتُ (ماضی منفی))
۱۱. یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← ما ذَكَرْتُمْ (ماضی منفی))
۱۲. به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← ما تَذَكَّرْتُمْ (ماضی منفی))
۱۳. نفرستاد (ما + أَرْسَلَ ← ما أَرْسَلَ (ماضی منفی))
۱۴. مشاهده نکرد، مشاهده نکرده است (لَمْ + يُشَاهِدُ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۸. گزینه «۳»: «شَبَابُ» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.
۹. گزینه «۳»: با توجه به «الفَائِزَةُ» که مفرد مؤنث غایب است فعل «رَفَعْتُ» صحیح می‌باشد. (برندهٔ اول پرچم ایران را در مسابقه بالا برد.)
۱۰. گزینه «۱»: با توجه به ضمیر «نَحْنُ» فعل در صیغهٔ اول شخص جمع (متکلم مع‌الغیر) می‌آید. (ما خانه‌ای زیبا از چوب ساختیم.)
۱۱. گزینه «۱»: با توجه به «الطَّالِبَاتُ» فعل در ابتدای عبارت مفرد مؤنث می‌آید. (دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.)
۱۲. گزینه «۲»: با توجه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. (به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.)

#### ماضی منفی

• فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود.

➔ رَجَعَ (بازگشت) منفی ➔ ما رَجَعْنَا (بازنگشت)

#### ما + ماضی ← ماضی منفی

• فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می‌شود.

➔ لَمْ + يَذْهَبْ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

#### لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی

➔ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لَمْ» مخفف «لِمَاذَا» به معنای «چرا، برای چه» کلمهٔ پرسشی است.

|                                          |                                          |
|------------------------------------------|------------------------------------------|
| لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؟      | چرا می‌گویید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟ |
| «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَرِي؟» | آیا ندانست که خدا می‌بیند؟<br>ماضی منفی  |
| لَمْ مَاعَمِلْتُمْ بَوَاجِبَاتِكُمْ؟     | چرا به تکالیفاتان عمل نکردید؟            |

#### ایستگاه سؤال

#### ترجمه الأفعال التالية:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← جَدَّتِي مَا ذَكَرْتُ زُمَّلَاءَ الْقُدَمَاءِ. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۴)
۲. حَضَرَ (حاضر شد) ← لَمْ يَحْضُرْ طَالِبٌ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. (داخل و خارج دی ۱۴۰۴)
۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لِمَاذَا لَمْ تَذْكُرِي اللَّهَ فِي أَيَّامِ حَيَاتِكَ؟ (داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)
۴. اكْتَسَبَ (به‌دست آورد) ← لَمْ نَكْتَسِبِ الْبَاطِلَ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۵. صَعِدَ (بالا رفت) ← الْوَالِدَةُ لَمْ تَصْعِدِ الْجَبَلَ. (خرداد ۱۴۰۴)
۶. قَفَرَ (پرید) ← ما قَفَرْتُ مِنَ الطَّائِرَةِ. (دی ۱۴۰۲)
۷. سَمَحَ (اجازه داد) ← لَمْ نَسْمَحْ لِلنَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا. (دی ۱۴۰۲)
۸. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا. (خرداد ۱۴۰۲)
۹. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الْكَسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمَا الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۱)
۱۰. اسْتَغْفَرَ (آموزش خواست) ← هِيَ مَا اسْتَغْفَرَتْ. (شهریور ۹۹)
۱۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ مَا ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (شهریور ۱۴۰۰)
۱۲. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (دی ۱۴۰۰)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. قَبِدَ (به بند آورد) ← قَدْ قَبِدُوا فُنُونَهُمْ بِالتَّكْرَارِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. عَفَرَ (آمرزید) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (آذر ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
۳. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَغْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتُ. (دی خارج ۹۹)
۵. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنْ مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)
۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ. (خرداد خارج ۹۸)
۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)
۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ اِمْتَنَعْتُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جَيِّدًا. (دی ۹۸)
۱۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. به بند آورده اند (قَدْ + قَبِدُوا ← ماضی نقلی)
۲. آمرزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)
۳. آمرزش خواسته اید (قَدْ + اسْتَغْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
۴. یاد داده ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)
۵. سخن گفته ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
۶. به یاد آورده ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)
۷. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
۸. خودداری کرده است (قَدْ + اِمْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)
۹. رفتار کرده ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۰. عمل کرده ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۱. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

ماضی استمراری

- به فعلی گفته می شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.

- می نوشتم، می آمدند، می خوردید و ...
- فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه های ماضی فعل «كَانَ» به قبل از صیغه های فعل مضارع ساخته می شود.

كَانَ + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ

كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

- فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می شود.

كَانَ يَغْلُمُ ← ترجمه می دانست

۱۵. تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← ماضی منفی))
۱۶. ندانستند، ندانسته اند (لَمْ + يَغْلَمُونَ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۱۷. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتُمْ ← ماضی منفی))
۱۸. کمک نکرد، کمک نکرده است (لَمْ + يُسَاعِدُ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۱۹. نجات نداد، نجات نداده است (لَمْ + يُنْقِذُ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۰. تلاش نکرد، تلاش نکرده است (لَمْ + يَجْتَهِدُ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۱. نزدند، زده اند (لَمْ + يَضْرِبَنَّ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۲. تعمیر نکرد، تعمیر نکرده است (لَمْ + يُصَلِّحْ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۳. سخن نگفتند، سخن نگفته اند (لَمْ + يَتَكَلَّمَا ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۴. کمک نکردند، کمک نکرده اند (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۵. تشویق نکردند، تشویق نکرده اند (لَمْ + يُشَجِّعَنَّ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۶. نشاناندند، نشاننده اند (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۷. نفرستادند، نفرستاده اند (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۸. به یاد نیاوردم (ما + تَذَكَّرْتُ ← ماضی منفی))
۲۹. گزینه «۲»: مشاهده نکردم (ما + شَاهَدْتُ ← ماضی منفی))
۳۰. نیامرزید، نیامرزیده است (لَمْ + يَغْفِرْ ← ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

ماضی نقلی

- به فعلی گفته می شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

- برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می شود.

قَدْ + ذَهَبَ ← ماضی نقلی قَدْ ذَهَبَ

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

- فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می شود.

قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته ام

- فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می شود.

- پس یادتون باشه ترکیب «لَمْ + فعل مضارع» می تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی

لَمْ يَغْلَمُوا ← ترجمه ندانستند (ماضی منفی)

لَمْ يَغْلَمُوا ← ترجمه ندانسته اند (ماضی نقلی منفی)

۶. قَطَعَ (برید) ← کانوا یَقْطَعُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
۷. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← کانوا یَجْتَهِدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۸. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← کانَ یَتَقَرَّبُ. (دی ۹۹)
۹. عَلِمَ (دانست) ← کُنْتُ أَعْلَمُ شیئاً. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۰. جالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← کانا یُجالِسَانِ الصَّالِحِينَ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← کانوا یَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۲. عَمِلَ (عمل کرد) ← کُنْتُ تَعْمَلُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ کَانَ یَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۴. صَلَّحَ (تعمیر کرد) ← کَانُوا یُصَلِّحُونَ السَّیَّارَةَ. (شهریور ۱۴۰۱)
۱۵. عَامَلَ (رفتار کرد) ← کانوا یُعَامِلُونَ جَيِّدًا. (شهریور ۹۹)
۱۶. لَبِثَ ناصراً ابْتَدَعَ عَنِ الْكَسَلِ. (خرداد خارج ۹۸)
- ۱) دوری کرده است
- ۲) دوری می‌کرد
- ۳) دوری خواهد کرد
۱۷. قَطَعَ (برید) ← کانا یَقْطَعَانِ الشَّجَرَةَ. (دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. می‌دانستم (کُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۲. رفتار می‌کرد (کَانَ + فعل مضارع «یُعَامِلُ» ← ماضی استمراری)
۳. می‌نشست (کَانَ + فعل مضارع «یَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۴. می‌دانستید (کُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
۵. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند
- (کانا + فعل مضارع «یُکَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
۶. می‌بریدند (کانوا + فعل مضارع «یَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
۷. تلاش می‌کردند (کانوا + فعل مضارع «یَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
۸. نزدیک می‌شد (کَانَ + فعل مضارع «یَتَقَرَّبُ» ← ماضی استمراری)
۹. می‌دانستم (کُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۱۰. هم‌نشینی می‌کردند (کانا + فعل مضارع «یُجالِسَانِ» ← ماضی استمراری)
۱۱. سخن می‌گفتند (کانوا + فعل مضارع «یَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۲. عمل می‌کردی (کُنْتُ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۳. خودداری می‌کرد (کَانَ + فعل مضارع «یَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۱۴. تعمیر می‌کردند

- (کانوا + فعل مضارع «یُصَلِّحُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۵. رفتار می‌کردند (کانوا + فعل مضارع «یُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۶. گزینه «۲»: دوری می‌کرد
- (لَبِثَ + فعل ماضی «ابْتَدَعَ» ← ماضی استمراری)
۱۷. می‌بریدند (کانا + فعل مضارع «یَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)

• به شکل‌های مختلف فعل «کَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن‌ها در جدول زیر دقت کنید.

| شکل‌های «کَانَ»                               | فعل مضارع                                | ترجمه               |
|-----------------------------------------------|------------------------------------------|---------------------|
| ۱. کَانَ<br>۲. کَانَتْ                        | یَذْهَبُ<br>تَذْهَبُ                     | می‌رفت              |
| ۳. کانا<br>۴. کانتا                           | یَذْهَبَانِ<br>تَذْهَبَانِ               | می‌رفتند            |
| ۵. کانوا<br>۶. کُنَّ                          | یَذْهَبُونَ<br>یَذْهَبْنَ                |                     |
| ۷. کُنْتُ<br>۸. کُنْتَ                        | تَذْهَبُ<br>تَذْهَبِينَ                  | می‌رفتی             |
| ۹. کُنْتُمَا<br>۱۰. کُنْتُمْ<br>۱۱. کُنْتُنَّ | تَذْهَبَانِ<br>تَذْهَبُونَ<br>تَذْهَبْنَ | می‌رفتید            |
| ۱۲. کُنْتُ<br>۱۳. کُنَّا                      | أَذْهَبُ<br>نَذْهَبُ                     | می‌رفتم<br>می‌رفتیم |

◀ فعل ماضی در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

◀ لَبِثَ مُحَمَّدًا نَصْرَ صَدِيقِهِ. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد. (البته در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می‌شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.)

◀ فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

◀ شَاهَدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی + نکره + مضارع

◀ شَاهَدْتُ الطِّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی‌که بازی می‌کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

۱. عَلِمَ (دانست) ← کُنْتُ أَعْلَمُ هَذِهِ الْمَسْأَلَةَ. (خرداد ۱۴۰۴)
۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← هُوَ کَانَ يُعَامِلُ التَّلَامِيذَ بِصَدَاقَةٍ. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. جَلَسَ (نشست) ← کَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. عَلِمَ (دانست) ← کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۵. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← کانا یُکَاتِبَانِ. (دی خارج ۹۹)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كُنْتُ قَدْ تَكَلَّمْتُ حَوْلَ الرِّيَاضَةِ.  
(داخل و خارج دی ۱۴۰۴)
۲. أَخْرَجَ (خارج کرد) ← كُنْتُمْ قَدْ أَخْرَجْتُمْ أَعْدَائَكُمْ.  
(داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)
۳. عَلِمَ (دانست) ← كَانَا قَدْ عَلِمَا قِيمَةَ الْعِلْمِ.  
(خارج خرداد ۱۴۰۴)
۴. نَظَرَ (نگاه کرد) ← كُنْتُ قَدْ نَظَرْتُ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِي.  
(خرداد ۱۴۰۳)
۵. اسْتَمَعَ (گوش داد) ← الْوَلَدُ كَانَ قَدْ اسْتَمَعَ نَصِيحَةَ أَبِيهِ.  
(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۶. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ.  
(دی ۱۴۰۱)
۷. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ.  
(آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹)
۸. تَفَاعَدَ (بازنشسته شد) ← هُوَ كَانَ قَدْ تَفَاعَدَ.  
(شهریور ۹۹)
۹. رَخَّصَ (ارزان شد) ← أَسْعَاؤُ الْبَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.  
(خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۰. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ.  
(خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۱. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَيْتَهُمْ تَكَاتَبُوا.  
(شهریور خارج ۹۸)

پاسخ سؤالات

۱. سخن گفته بودم (كُنْتُ + قَدْ + فعل ماضی (تَكَلَّمْتُ) ← ماضی بعید)
۲. خارج کرده بودید (كُنْتُمْ + قَدْ + فعل ماضی (أَخْرَجْتُمْ) ← ماضی بعید)
۳. دانسته بودند (كانا + قَدْ + فعل ماضی (عَلِمَا) ← ماضی بعید)
۴. نگاه کرده بودم (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (نَظَرْتُ) ← ماضی بعید)
۵. گوش فرا داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
۶. نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۷. خودداری کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
۸. بازنشسته شده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (تَفَاعَدَ) ← ماضی بعید)
۹. ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)
۱۰. قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
۱۱. نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند  
(لَيْتَ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

مضارع ساده

- فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.
- يَنْصُرُ (یاری می‌کند)، تَرْجِعَانِ (باز می‌گردند، باز می‌گردید)، يُدَافِعُونَ (دفاع می‌کنند) و ...
- در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمائر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

| فعل مضارع   | شناسه  | ضمیر        | ترجمه     |
|-------------|--------|-------------|-----------|
| أَجْلَسُ    | ندارد  | أَنَا (من)  | می‌نشینم  |
| تَجْلِسُ    |        | أَنْتَ (تو) | می‌نشینی  |
| تَجْلِسِينَ | بَيْنَ | أَنْتِ (تو) |           |
| يَجْلِسُ    | ندارد  | هُوَ (او)   | می‌نشیند  |
| تَجْلِسُ    |        | هِيَ (او)   |           |
| نَجْلِسُ    | ندارد  | نَحْنُ (ما) | می‌نشینیم |

ماضی بعید

- به فعلی گفته می‌شود که در گذشته دور انجام شده است.
- نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه‌های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه‌های فعل ماضی ساخته می‌شود.
- كَانَ + قَدْ + جَلَسَ ← كَانَ قَدْ جَلَسَ
- آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می‌آید.

كَانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می‌شود.
- كَانَ قَدْ كَتَبَ ← نوشته بود.
- كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ← نوشته بودیم.
- به شکل‌های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول بعد دقت کنید.

| ماضی بعید                        | ترجمه      |
|----------------------------------|------------|
| ۱. كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ           | رفته بود   |
| ۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ       |            |
| ۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا         |            |
| ۴. كَانَتَا (قَدْ) ذَهَبْتَا     | رفته بودند |
| ۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا       |            |
| ۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ         |            |
| ۷. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ        | رفته بودی  |
| ۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ        |            |
| ۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا  |            |
| ۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ   | رفته بودید |
| ۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ |            |
| ۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ       | رفته بودم  |
| ۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا      | رفته بودیم |

- فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» را نیز می‌توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درست).
- لَيْتَ التَّلْمِيذُ ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ. ← کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می‌کرد).

لَيْتَ + ماضی ← ماضی بعید  
ماضی استمراری

- فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می‌شود.
- شَاهَدْتُ صَدِيقًا سَاعَدَنِي فِي الدُّرُوسِ. ← دوستی را دیدم که به من ماضی ماضی
- در درس‌ها کمک کرده بود. (کمک کرد)  
ماضی بعید

(شهریور ۹۸)

۱۸. اللَّهُ الذُّنُوبُ إِلَّا الشَّرَّكَ بِاللَّهِ.

○ (۱) تَغْفِرُ ○ (۲) يَغْفِرُ ○ (۳) نَغْفِرُ

(شهریور ۹۸)

۱۹. الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ ..... فِي الْمَصْنَعِ.

○ (۱) يَسْتَعْلُونَ ○ (۲) تَسْتَعْلُونَ ○ (۳) يَسْتَعْلَنَ

(دی ۹۸)

۲۰. كُلُّ شَيْءٍ ..... إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ.

○ (۱) تَرْخُصُ ○ (۲) يَرْخُصُ ○ (۳) نَرْخُصُ

### پاسخ سؤالات

۱. می‌پزند (مضارع اخباری)
۲. سؤال می‌کنید (مضارع اخباری)
۳. می‌فرستند (مضارع اخباری)
۴. بازنشسته می‌شویم (مضارع اخباری)
۵. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)
۶. نزدیک می‌شوند (مضارع اخباری)
۷. یاری می‌جویم (مضارع اخباری)
۸. می‌آفرینند (مضارع اخباری)
۹. کمک می‌کنی (مضارع اخباری)
۱۰. کمک می‌کنند (مضارع اخباری)
۱۱. به یاد می‌آورم (مضارع اخباری)
۱۲. هم‌نشینی می‌کنند (مضارع اخباری)
۱۳. گزینۀ «۳»: يَطْوُفُ («الحاج») مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغۀ مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی است. ترجمۀ عبارت «حج‌گزار هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کند».
۱۴. گزینۀ «۱»: تُوَكِّدُ (با توجه به «الآثار») که بر جمع مکسر غیرعاقل دلالت دارد، فعل در صیغۀ مفرد مؤنث می‌آید. ترجمۀ عبارت «آثار قدیمی بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند».
۱۵. گزینۀ «۲»: يَجْمَعُونَ («الفلاحون») جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید. ترجمۀ عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.
۱۶. گزینۀ «۱»: يُشَجِّعُونَ («المتفجعون») جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید. ترجمۀ عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.
۱۷. گزینۀ «۲»: يَعْتَمِدُونَ (با توجه به «الأصدقاء» که جمع مذکر است و نیز ضمیر «هم» فعل «يَعْتَمِدُونَ» مناسب جای خالی است) ترجمۀ عبارت: دوستان بر خودشان تکیه می‌کنند.
۱۸. گزینۀ «۲»: يَغْفِرُ (با توجه به کلمۀ «اللّه» فعل يَغْفِرُ در صیغه مفرد مذکر مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت «خداوند به جز شرک به خدا، گناهان را می‌بخشد».
۱۹. گزینۀ «۱»: يَسْتَعْلُونَ (با توجه به «العمال» که جمع مکسر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْلُونَ» مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت «کارگران تلاشگر در کارخانه کار می‌کنند».
۲۰. گزینۀ «۲»: يَرْخُصُ («كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکر دلالت دارد. بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت «هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب».

| فعل مضارع   | شناسه | ضمیر            | ترجمه     |
|-------------|-------|-----------------|-----------|
| تَجْلِسَانِ | انِ   | أَنْتُمَا (شما) | می‌نشینید |
| تَجْلِسُونَ | وْنَ  | أَنْتُمْ (شما)  |           |
| تَجْلِسْنَ  | نَ    | أَنْتُنَّ (شما) |           |
| يَجْلِسَانِ | انِ   | هُمَا (آن دو)   | می‌نشینند |
| يَجْلِسَانِ | وْنَ  | هُم (ایشان)     |           |
| يَجْلِسْنَ  | نَ    | هُنَّ (ایشان)   |           |

همان‌طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع

اخباری ترجمه می‌شود: «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»

▶ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می‌کنید؟

مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

مضارع

### ایستگاه سؤال

#### ترجم الأفعال التالية:

۱. قَفَرَ (پريد) ← الْبَوْمَةُ وَ الْحَفَاشُ يَقْفِرَانِ فِي اللَّيْلِ. (دی ۱۴۰۲)
  ۲. سَأَلَ (سؤال کرد) ← أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ (خرداد ۱۴۰۲)
  ۳. أُرْسِلَ (فرستاد) ← هُمْ يُرْسِلُونَ الْخَبَرَ. (شهریور ۱۴۰۰)
  ۴. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← نَحْنُ نَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)
  ۵. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← أَشَاهِدُ. (شهریور ۹۸)
  ۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ. (خرداد ۱۴۰۱)
  ۷. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← «... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (شهریور ۱۴۰۱)
  ۸. خَلَقَ (آفرید) ← يَخْلُقُونَ. (دی ۹۹)
  ۹. سَاعَدَ (کمک کن) ← نُسَاعِدِيَنَّ أُمَّكَ فِي الطَّبْخِ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
  ۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ يُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ. (دی خارج ۱۴۰۱)
  ۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← أَنَا أَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحَجَّاجِ. (دی خارج ۱۴۰۱)
  ۱۲. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُنَّ يُجَالِسْنَ الْمُؤْمِنَاتِ. (دی خارج ۱۴۰۱)
- انتخب الفعل المناسب للفراغ:
۱۳. ..... الْحَاجُّ سَبَعَ مَرَّاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
  - (۱) تَطْوُفُ ○ (۲) يَطْوُفُونَ ○ (۳) يَطْوُفُ
  ۱۴. الأَثَارُ الْقَدِيمَةُ ..... اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ. (خرداد ۱۴۰۲)
  - (۱) تُوَكِّدُ ○ (۲) يُؤَكِّدُونَ ○ (۳) يُؤَكِّدُ
  ۱۵. الْفَلَّاحُونَ ..... الْمَحَاصِيلَ فِي الْمَزَارِعِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
  - (۱) يَجْمَعُ ○ (۲) يَجْمَعُونَ ○ (۳) يَجْمَعْنَ
  ۱۶. الْمُتَفَرِّجُونَ ..... فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرَحِينَ. (دی ۱۴۰۰)
  - (۱) يُشَجِّعُونَ ○ (۲) يُشَجِّعْنَ ○ (۳) يُشَجِّعُ
  ۱۷. الْأَصْدِقَاءُ ..... عَلَى أَنْفُسِهِمْ. (خرداد ۹۸)
  - (۱) تَعْتَمِدُونَ ○ (۲) يَعْتَمِدُونَ ○ (۳) يَعْتَمِدُنَ

مضارع منفی

۱۶ تکرار

• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند.

لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی‌رود)

لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی‌روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود.

لَمْ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ ترجمه چرا درست را نمی‌نویسی؟

مضارع منفی

لا أَتَذَكِّرُكَ يَا زَمِيلِي. ترجمه تو را به یاد نمی‌آورم ای هم‌کلاسی‌ام.

مضارع منفی

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. اِكْتَسَبَ (به‌دست آورد) ← الرِّمِلَانِ لَا يَكْتَسِبَانِ الشَّرَّ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَمْ لِاتُسَاعِدِينَ أُمَّكَ؟ (خرداد ۱۴۰۴)
۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← لَمْ لَا تُعَامِلُونَ كَالْإِخْوَانِ؟ (خرداد ۱۴۰۳)
۴. عَلِمَ (دانست) ← لَا تَعْلَمُونَ الدُّرُوسَ الْمَاضِيَةَ. (دی ۱۴۰۲)
۵. هُمْ لَا يَسْتَغْفِرُونَ. (شهریور ۹۹)
۶. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَا يُعَلِّمُونَ. (دی خارج ۹۹)
۷. قَطَعَ (برید) ← لَا نَقْطَعُ. (شهریور ۹۸)
۸. أَجْلَسَ (نشاند) ← لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟ (دی ۹۸)
۹. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَا يَمْتَنِعُونَ. (خرداد ۹۹)
۱۰. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدَّتِي لَا تَتَذَكَّرُ شَيْئًا. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا أَتَذَكِّرُكَ يَا زَمِيلِي. (خرداد خارج ۹۸)
۱۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَا يَتَكَلَّمُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۳. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لَا يَعْبُدُ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۴. غَفَرَ (آمرزد) ← لَا يُغْفِرُونَ. (دی خارج ۹۸)
۱۵. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← لَا تُشَجِّعِينَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۶. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتَ لَا تَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. به‌دست نمی‌آورند (لا + فعل مضارع (يَكْتَسِبَانِ) ← مضارع منفی)
۲. کمک نمی‌کنی (لا + فعل مضارع (تُسَاعِدِينَ) ← مضارع منفی)
۳. رفتار نمی‌کنید (لا + فعل مضارع (تُعَامِلُونَ) ← مضارع منفی)
۴. نمی‌دانید (لا + فعل مضارع (تَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
۵. آموزش نمی‌خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۶. یاد نمی‌دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)
۷. نمی‌بریم (لا + فعل مضارع (نَقْطَعُ) ← مضارع منفی)
۸. نمی‌نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسِينَ) ← مضارع منفی)
۹. خودداری نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)

نهی

تکرار

• فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.

نپرس، نگویند، نروید و ...

• برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرشش صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

لا + تَسْأَلُ نهی ← لا تَسْأَلُ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)

لا + تَسْأَلَانِ نهی ← لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)

لا + تَسْأَلْنَ نهی ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف همیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ← نهی

• فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.

لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. ترجمه از خانه بیرون نرو.

فعل نهی

لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. ترجمه در کتابخانه سخن نگویند.

فعل نهی

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. اِكْتَسَبَ (به‌دست آورد) ← لَا تَكْتَسِبِي الْعَدَاوَةَ بَيْنَ النَّاسِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إِلَهِي لَا تُعَامِلْ عِبَادَكَ بِالْعَدْلِ. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. سَمَحَ (اجازه داد) ← لَا تَسْمَحِي الْخُرُوجَ مِنَ الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۲)
۴. مَنَعَ (منع کرد) ← لَا تَمْنَعُونَا عَنِ الْخُرُوجِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۵. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← يَا رِجَالُ لَا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ. (خرداد ۹۸)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَا تَمْتَنِعُوا. (خرداد ۹۹)
۷. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَا تَذَكِّرُ. (دی ۹۷)
۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَا تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۹۹)
۹. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَا تَتَقَرَّبُوا. (دی ۹۹)
۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنْتَ لَا تُسَاعِدِي. (شهریور ۹۹)
۱۱. اِنتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← رَجَاءُ لَا تَنْتَقِلُوا. (شهریور خارج ۹۸)
۱۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَا تُرْسِلْ رِسَالَهُ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۴. اِسْتَعَانَ (یاری جست) ← لَا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ. (شهریور ۱۴۰۱)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التَّالِيَةِ:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← لَنْ تَلْعَبَ صَدِيقَانَا فِي الْمَلْعَبِ. (داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)
۲. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنَا لَنْ أَذْكَرَ عِيُوبَ الْآخِرِينَ. (خرداد ۱۴۰۴)
۳. لَعِبَ (بازی کرد) ← سَيَلْعَبُ الْفَرِيقَانِ. (دی ۱۴۰۲)
۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← سَأُسَاعِدُ صَدِيقِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۵. جَلَسَ (نشست) ← هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۶. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۸)
۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ يَتَذَكَّرُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۸. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِي الدُّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۹. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← سَيَنْتَقِلُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
۱۰. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتُمْ سَتَتَقَاعَدُونَ. (شهریور ۹۹)
۱۱. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنَعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۲. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَتَذَكَّرُ الدَّرْسِ. (دی ۱۴۰۰)
۱۳. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۴. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← سَيَتَذَكَّرَانِ ذِكْرِيَاتٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← الْحُجَّاجُ سَيَتَذَكَّرُونَ ذِكْرِيَاتِهِمْ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِّي لَنْ يَتَذَكَّرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۷. رَخَّصَ (ارزان شد) ← الْأَدَبُ لَنْ يَرْخُصَ إِذَا كَثُرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَنْ تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۹. اِجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← لَنْ يَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۲۰. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَيَعْبُدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۲۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹)
۲۲. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ. (شهریور خارج ۹۸)
۲۳. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← لَنْ يَنْتَقِلَ. (دی خارج ۹۸)
۲۴. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَى الدُّنْبِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۵. نَجَحَ (موفق شد) ← سَوْفَ يَنْجَحُ. (شهریور ۹۸)
۲۶. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← لَنْ يُشَاهِدَ. (شهریور ۹۸)
۲۷. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ يُعَلِّمَ. (دی خارج ۹۹)
۲۸. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. (خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. بازی نخواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (تَلْعَبُ) ← لَنْ تَلْعَبَ ← مستقبل منفی)
۲. یاد نخواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (أَذْكَرُ) ← لَنْ أَذْكَرُ ← مستقبل منفی)
۳. بازی خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يَلْعَبُ) ← مستقبل)
۴. کمک خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل)
۵. خواهند نشست (سَوْفَ + فعل مضارع (يَجْلِسُونَ) ← مستقبل)

۱۵. عَامِلٌ (رفتار کرد) ← إِلَهِي لَا تُعَامِلْ بِعَدْلِكَ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۸)

۱۶. «وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (خرداد خارج ۹۸)

- ۱) سست نشوید
- ۲) سست نمی‌شوید
- ۳) نباید سست شوید
- ۱۷. قَطَعَ (برید) ← لَا تَقْطَعُوا صِدَاقَتَكُمْ. (دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. به دست نیاور (لَا + تَكْتَسِبِينَ ← لَا تَكْتَسِبِي (نهی))
۲. رفتار نکن (لَا + تُعَامِلْ ← لَا تُعَامِلْ (نهی))
۳. اجازه نده (لَا + تَسْمَحِينَ ← لَا تَسْمَحِي (نهی))
۴. منع نکنید (لَا + تَمْنَعُونَ ← لَا تَمْنَعُوا (نهی))
۵. هم‌نشینی نکنید (لَا + تُجَالِسُونَ ← لَا تُجَالِسُوا (نهی))
۶. خودداری نکنید (لَا + تَمْنَعُونَ ← لَا تَمْنَعُوا (نهی))
۷. یاد نکن (لَا + تَذَكَّرْ ← لَا تَذَكَّرْ (نهی))
۸. نفرستید (لَا + تُرْسِلُونَ ← لَا تُرْسِلُوا (نهی))
۹. نزدیک نشوید (لَا + تَتَقَرَّبُونَ ← لَا تَتَقَرَّبُوا (نهی))
۱۰. کمک نکن (لَا + تُسَاعِدِينَ ← لَا تُسَاعِدِي (نهی))
۱۱. جابه‌جا نشوید (لَا + تَنْتَقِلُونَ ← لَا تَنْتَقِلُوا (نهی))
۱۲. سخن نگویید (لَا + تَتَكَلَّمُونَ ← لَا تَتَكَلَّمُوا (نهی))
۱۳. نفرست (لَا + تُرْسِلْ ← لَا تُرْسِلْ (نهی))
۱۴. یاری نجوید (لَا + تَسْتَعِينُونَ ← لَا تَسْتَعِينُوا (نهی))
۱۵. رفتار نکن (لَا + تُعَامِلْ ← لَا تُعَامِلْ (نهی))
۱۶. گزینۀ «۱»: سست نشوید (لَا + تَهْنُونَ ← لَا تَهْنُوا (نهی))
۱۷. بُرید (لَا + تَقْطَعُونَ ← لَا تَقْطَعُوا (نهی))

مستقبل

• به فعلی گفته می‌شود که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با اضافه شدن حرف «سَ / سَوْفَ» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود.

سَ / سَوْفَ + فعل مضارع ← مستقبل

• در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواه...» استفاده می‌کنیم.

سَيُخْرِجُ ترجمه ← خارج خواهد شد.

سَوْفَ نَرْجِعُ ترجمه ← باز خواهیم گشت.

• فعل مستقبل با آمدن حرف «أَنْ» بر سر فعل مضارع، منفی می‌شود.

لَنْ أَجْلِسَ ← لَنْ أَجْلِسَ

لَنْ + فعل مضارع ← مستقبل منفی

• در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواه...» استفاده می‌کنیم.

لَنْ تَذْهَبَ ترجمه ← نخواهی رفت، نخواهد رفت

لَنْ تَعْلَمُوا ترجمه ← نخواهید دانست

۶. هم‌نشینی نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُجَالِسُ) ← لَنْ يُجَالِسَ ← مستقبل منفی)

۷. به یاد خواهند آورد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)

۸. کمک نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← لَنْ أُسَاعِدَ ← مستقبل منفی)

۹. جابه‌جا خواهند شد (سَ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُونَ) ← مستقبل)

۱۰. بازنشسته خواهید شد (سَ + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُونَ) ← مستقبل)

۱۱. خودداری خواهیم کرد

(لَنْ + فعل مضارع (تَمْتَنِعُ) ← لَنْ تَمْتَنِعَ ← مستقبل منفی)

۱۲. به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)

۱۳. تلاش خواهند کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ) ← لَنْ يَجْتَهِدُوا ← مستقبل منفی)

۱۴. به یاد خواهند آورد (سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرَانِ) ← مستقبل)

۱۵. به یاد خواهند آورد (سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)

۱۶. به یاد نخواهد آورد

(لَنْ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← لَنْ يَتَذَكَّرَ ← مستقبل منفی)

۱۷. ارزان نخواهد شد

(لَنْ + فعل مضارع (يُرَخِّصُ) ← لَنْ يُرَخِّصَ ← مستقبل منفی)

۱۸. نخواهید فرستاد

(لَنْ + فعل مضارع (تُرْسِلُونَ) ← لَنْ تُرْسِلُوا ← مستقبل منفی)

۱۹. تلاش خواهد کرد، تلاش نخواهی کرد

(لَنْ + فعل مضارع (تَجْتَهِدُ) ← لَنْ تَجْتَهِدَ ← مستقبل منفی)

۲۰. عبادت خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يُعْبُدُونَ) ← مستقبل)

۲۱. کمک نخواهند کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← لَنْ يُسَاعِدُوا ← مستقبل منفی)

۲۲. نامه‌نگاری نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يَتَكَاثَبُ) ← لَنْ يَتَكَاثَبَ ← مستقبل منفی)

۲۳. جابه‌جا خواهد شد

(لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← لَنْ يَنْتَقِلَ ← مستقبل منفی)

۲۴. نزدیک نخواهیم شد

(لَنْ + فعل مضارع (تَتَقَرَّبُ) ← لَنْ تَتَقَرَّبَ ← مستقبل منفی)

۲۵. موفق خواهد شد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَنْجَحُ) ← مستقبل)

۲۶. مشاهده نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُشَاهِدُ) ← لَنْ يُشَاهِدَ ← مستقبل منفی)

۲۷. یاد نخواهد داد

(لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← لَنْ يُعَلِّمَ ← مستقبل منفی)

۲۸. نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)

مضارع التزامی  
۲۰  
تکرار

• فعلی است که بروقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ...

دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.

• در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر

می‌آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (پ + بن

فعل + شناسه ← پَرُوم، پَرُوی، پَرُود و ...)

۱ آن (که) / کی، به، لکن، حتی (تا، برای این که)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

|                                                                                                                    |                                                                          |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------|
| إِصْلَ بِصَدِيقِهِ لِكِي يُصْلِحَ سِبَاغَتَهُمْ.<br>با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند.<br>مضارع التزامی | لِكِي + يُصْلِحَ                                                         |
| أَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءُ لِيُنَبِّئُوا الصِّرَاطَ<br>و دین حق را آشکار کنند.<br>مضارع التزامی            | لِ + يُنَبِّئُونَ ← لِيُنَبِّئُوا<br>المُسْتَقِيمِ وَ الدِّينِ الْحَقِّ. |

۲ این (اگر)، من (هرکس)، ما (هرچه)، إذا (هرگاه، اگر، چنان چه)

+ فعل ← مضارع التزامی

(ساختار شماره ۲) مربوط همیشه به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که

فعل شرط طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری

ترجمه می‌شود.

|                                                                                                |                                                                                                                              |
|------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| هَرَّاهُ خَدَاوَنَد نَابُودِي مَوْرَجَه رَا<br>بخواهد، برایش دو بال می‌رویاند.<br>مضارع اخباری | إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ النَّفْلَةِ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحَيْنِ.<br>اذا فعل شرط (ماضی) جواب شرط (ماضی)<br>مضارع التزامی |
| اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند.<br>مضارع اخباری                                      | ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾<br>اذا فعل شرط جواب شرط<br>مضارع اخباری                                               |

۳ ل (امر) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی

لِ + يُرْسِلُ ← لِيُرْسِلْ (باید بفرستد)

لِ + نَنْتَقِمُ ← لِنَنْتَقِمَ (باید انتقام بگیریم)

گاهی حروف ربطی مانند «و، ف، ثُمَّ» قبل از «لِ» می‌آیند و آن را [لام امر]

ساکن می‌کنند.

|                  |                                                                                                                                |
|------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| و باید یاد کنیم. | وَلَنَذْكُرَنَّ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.<br>لِ + فعل متکلم مع الغیر (لِ) به خاطر «و» ساکن شده است. |
|------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

۴ لا (نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی

لَا + يَنْتَقِلُ ← لَا يَنْتَقِلْ (نبايد جابه‌جا شود)

لَا + يَذْهَبُوا ← لَا يَذْهَبُوا (نبايد بروند)

پاسخ سؤالات

۱. نباید بازی کنند (لا نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُونَ) ← لَا يَلْعَبُوا ← نباید + مضارع التزامی
۲. آمرزش بخواهد («مَنْ: هر کس ← ادات شرط» / «يَسْتَغْفِرُ: فعل شرط است ← مضارع التزامی)
۳. به یاد بیاورم (أَنْ + فعل مضارع (أَذْكُرُ) ← أَنْ أَذْكُرُ ← مضارع التزامی)
۴. نباید کمک کنیم (لا نهی) + فعل متکلم (نُسَاعِدُ) ← لَا نُسَاعِدُ ← نباید + مضارع التزامی
۵. باید کمک کنند (لِـ امر) + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا ← باید + مضارع التزامی
۶. یاد کنيد («إِنْ: اگر» ← حرف شرط / تَذْكُرُوا» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
۷. نباید بازی کند (لا نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لَا يَلْعَبُ ← نباید + مضارع التزامی
۸. سخن بگویم (أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلَّمُ) ← أَنْ أَتَكَلَّمُ ← مضارع التزامی)
۹. باید گرامی بداریم (لِـ امر) + فعل متکلم (نُكْرِمُ) ← لِنُكْرِمُ ← باید + مضارع التزامی
۱۰. نباید بنویسند (لا نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لَا يَكْتُبُوا ← نباید + مضارع التزامی
۱۱. سخن بگوید («مَنْ: هر کس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
۱۲. آمرزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع التزامی)
۱۳. باید رفتار کنیم (لِـ امر) + فعل متکلم (نُعَامِلُ) ← لِنُعَامِلُ ← باید + مضارع التزامی)
۱۴. نباید به یاد آورند (لا نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرَانِ) ← لَا يَتَذَكَّرَا ← نباید + مضارع التزامی)
۱۵. باید تلاش کنیم (لِـ امر) + فعل متکلم (نَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدُ ← باید + مضارع التزامی)
۱۶. تا کمک کند (لِکَيّ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِكَيّ يُسَاعِدَ ← مضارع التزامی)
۱۷. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی)
۱۸. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← مضارع التزامی)
۱۹. رفتار کنند (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ← مضارع التزامی)
۲۰. خودداری کنیم (أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ← مضارع التزامی)

۵ لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

|                               |                          |
|-------------------------------|--------------------------|
| «لَيْتَ قَوْمِي يَغْلِبُونَ»  | ای کاش قوم من بداند.     |
| «... لَعَلَّهُمْ يَقْبَلُونَ» | شاید آن‌ها خردورزی کنند. |

۶ مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)

|                                  |                                       |
|----------------------------------|---------------------------------------|
| أَفْتَحِرْ بِطَالِبٍ يَشْعِي فِي | به دانش‌آموزی افتخار می‌کنم که در کسب |
| مضارع                            | مضارع                                 |
| اكتساب الفضائل الأخلاقية.        | فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد)     |

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← الْأَطْفَالُ لَا يَلْعَبُوا فِي الشَّارِعِ. (داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)
۲. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← مَنْ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ يُسَاعِدْهُ. (داخل و خارج دی ۱۴۰۴)
۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أُريدُ أَنْ أَذْكُرَ ذِكْرِيَانِي. (داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)
۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَا نُسَاعِدِ الظَّالِمِينَ. (خرداد ۱۴۰۴)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَبْنَاءُ لِيُسَاعِدُوا آبَاءَهُمْ. (خرداد ۱۴۰۴)
۶. ذَكَرَ (یاد کرد) ← «... إِنْ تَذَكَّرُونِي أَذْكُرْكُمْ ...» (خرداد ۱۴۰۴)
۷. لَعِبَ (بازی کرد) ← لَا يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي الشَّارِعِ. (دی ۱۴۰۲)
۸. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← أَحِبَّ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۹. أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← لِنُكْرِمِ وَالِدَيْنَا. (خرداد ۱۴۰۲)
۱۰. كَتَبَ (نوشت) ← الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. (دی ۱۴۰۱)
۱۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ يَخْسِرُ. (خرداد ۹۸)
۱۲. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← لِيَنْتَهُمُ يَسْتَغْفِرُونَ لِذُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
۱۳. يُعَامِلُ (رفتار می‌کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا يَتَذَكَّرَا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۵. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. (خرداد ۹۹)
۱۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِكَيّ يُسَاعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)
۱۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَيْتَهُ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
۱۸. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذْكُرُ. (دی ۹۷)
۱۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۰. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. گاهی منع می‌کنند، شاید منع کنند (قَدْ + فعل مضارع (يَمْنَعَانِ))
۲. گاهی بالا می‌روند، شاید بالا بروند (قَدْ + فعل مضارع (يَصْعَدَانِ))
۳. گاهی یاد می‌گیرد، شاید یاد بگیرد (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ))
۴. گاهی تلاش می‌کنند، شاید تلاش کنند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ))
۵. گاهی یاد می‌گیرند، شاید یاد بگیرند (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))
۶. گاهی نامه‌نگاری می‌کند، شاید نامه‌نگاری کند (قَدْ + فعل مضارع (يُكَاتِبُ))
۷. گاهی کمک می‌کنند، شاید کمک کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ))
۸. گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
۹. گاهی تلاش می‌کند، شاید تلاش کند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ))
۱۰. گاهی سخن می‌گوید، شاید سخن بگوید (قَدْ + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))
۱۱. گاهی تشویق می‌کند، شاید تشویق کند (قَدْ + فعل مضارع (يُشَجِّعُ))
۱۲. گزینه «۲»: گاهی می‌نویسد (قَدْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ))
۱۳. گزینه «۳»: گاهی یاد می‌کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ))

قَدْ + مضارع

تکرار ۱۳

• هرگاه حرف «قَدْ» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

قَدْ + مضارع ← گاهی / شاید

• قَدْ + أَلْعَبُ ترجمه ← گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم  
• در ترجمه فعل مضارع همراه با «قَدْ» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَدْ أَذْهَبَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِحَوِّهَا الْمُعْتَدِلِ.

|                                           |                                         |
|-------------------------------------------|-----------------------------------------|
| گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم. | شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم. |
|-------------------------------------------|-----------------------------------------|

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. مَنَعَ (منع کرد) ← الْوَالِدَانِ قَدْ يَمْنَعَانِ أَوْلَادَهُمَا عَنِ اللَّعِبِ.

(داخل و خارج دی ۱۴۰۴)

۲. صَعَدَ (بالا رفت) ← الطِّفْلَانِ قَدْ يَصْعَدَانِ الصِّفَا.

(خرداد ۱۴۰۴)

۳. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← قَدْ يَتَعَلَّمُ الْإِنْسَانُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ.

(خرداد ۱۴۰۳)

۴. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← الطُّلَّابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصِّفِّ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۵. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَدْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ.

(دی ۱۴۰۱)

۶. كَاتَبَ: (نامه‌نگاری کرد) ← قَدْ يُكَاتِبُ.

(دی خارج ۹۹)

۷. سَاعَدَ (کمک کن) ← قَدْ يُسَاعِدُنِ وَالِدَيْهِنَّ.

(خرداد خارج ۱۴۰۲)

۸. ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَدْ يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ.

(دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)

۹. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَدْ يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۱۱. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← قَدْ يُشَجِّعُ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

انتخب الصحيح في الترجمة:

۱۲. قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.

(مرداد ۱۴۰۳)

○ (۱) تنبل، تمرین‌های درس را نوشته است.

○ (۲) تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد.

۱۳. قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ.

(خرداد خارج ۹۸)

○ (۱) یاد کرده است

○ (۲) گاهی یاد خواهد کرد

○ (۳) گاهی یاد می‌کند

• فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می‌دهیم.

✎ إجلس: بنشین / اذخُلوا: داخل شوید / أرسلا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه‌های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می‌رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می‌آوریم و سپس فعل‌های دارای «ت» در انتهای فعل به ساکن و فعل‌هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف همیشه به جز نون جمع مؤنث، (دقت کنید این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل‌های ثلاثی مزید در باب‌های (اِشْتَفَعَال، اِئْتَفَعَال، اِنْفَعَال، اِفْعَال) هست).

یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. اگه ضمه بود همیشه ضمه (ُ) و اگه کسره بود همون (ِ) ولی اگه فتحه بود همیشه - (کسره) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «اِفعال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل میشه. پس همزه فعل امر در باب «اِفعال» همیشه مفتوح (َ) هست.

«... اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ...»

(فعل امر از «تَرْجَعِينَ»)

به سوی پروردگارت بازگرد.

«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

(فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)

و از بردباری و نماز یاری بجوید.

به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «اِشْتَفَعَال، اِئْتَفَعَال، اِنْفَعَال، اِفْعَال» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم).

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. أَخْرَجَ (خارج کرد) ← رَجَاءٌ أَخْرَجَنَ الْكُتُبَ مِنْ حَقِيبَتِكُنَّ.

(داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)

۲. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← اسْتَغْفِرُونَ رَبَّكُنَّ.

(داخل و خارج دی ۱۴۰۴)

۳. قَيَّدَ (به بند آورد) ← رَجَاءٌ قَيَّدُوا الْعِلْمَ.

(خارج خرداد ۱۴۰۴)

۴. نَظَرَ (نگاه کرد) ← أَنْظَرُوا إِلَى مَا قَالِ.

(خرداد ۱۴۰۳)

۵. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← رَجَاءٌ، تَكَلَّمُوا بِهَدْوٍ. / رَجَاءٌ، تَكَلَّمُوا بِالْعَرَبِيَّةِ.

(داخل و خارج دی ۱۴۰۴ - شهرپور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۶. أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← أَكْرَمُوا الشَّهَدَاءَ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۷. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← رَجَاءٌ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ.

(دی ۱۴۰۱)

۸. يَا رَجُلًا، رَجَاءٌ انْتَقَلُوا.

(دی ۹۸)

۹. أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ.

(خرداد ۹۸)

۱۰. كَاتَبُوا.

(دی خارج ۹۹)

۱۱. شَاهَدَ (دید) ← رَجَاءٌ شَاهَدُوا.

(خرداد ۹۹)

۱۲. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← الاجْتِهَادِ.

(خرداد ۹۹)

۱۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← اِلِمْتِنَاعِ.

(خرداد ۹۹ - آخر ۱۴۰۱)

۱۴. عَامَلَ (رفتار کرد) ← الْمُعَامَلَةِ.

(شهرپور ۹۹)

۱۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ، سَاعَدَنِي.

(دی خارج ۱۴۰۱)

۱۶. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ مُفِيدَةٌ.

(دی خارج ۱۴۰۱)

۱۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسَلُوا.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسِلْ.

(دی ۹۹)

۱۹. أَنْقَذَ (نجات داد) ← رَجَاءٌ أَنْقَذُوا الطِّفْلَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۲۰. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← مِنْ فَضْلِكَ، اِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۲۱. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

(شهرپور ۱۴۰۱)

۲۲. عَمِلَ (عمل کرد) ← اِعْمَلُوا.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← اَذْكُرُوا رَبَّكُمْ.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۴. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهِدُوا.

(خرداد ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. «أَخْرَجَنَ: خارج کنید» (فعل امر از «تُخْرِجَنَّ» صیغه للمخاطبات و از باب «إِفعال» است.)

۲. «اسْتَغْفِرْنَ: طلب آمرزش کنید، آمرزش بخواهید» (فعل امر از «تَسْتَغْفِرْنَ» صیغه للمخاطبات و از باب «إِسْتِفعال» است.)

۳. «قَيَّدُوا: به بند آورید» فعل امر از باب «تَفْعیل» است. (قَيَّدُوا: به بند آوردند، فعل ماضی است.)

۴. «أَنْظَرُوا: نگاه کنید» (فعل امر از صیغه «تَنْظُرُونَ» است.)

۵. «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (دقت کنید فعل «تَكَلَّمُوا: سخن گفتند» می‌تواند ماضی هم باشد اما در این‌جا با توجه به کلمه «رَجَاءٌ» به معنای «لطفاً» که بر درخواست کار دلالت دارد، ترجمه فعل به صورت امر درست است.)

۶. «أَكْرَمُوا» فعل امر از باب «إِفعال» و به معنای «گرامی بدارید» است. («أَكْرَمُوا»: گرامی داشتند، فعل ماضی است.)

| باب          | ماضی                      | مضارع                         | مصدر                       | امر                       |
|--------------|---------------------------|-------------------------------|----------------------------|---------------------------|
| إِسْتِغْفَال | اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) | يَسْتَغْفِرُ (آمرزش می‌خواهد) | اسْتِغْفَار (آمرزش خواستن) | اسْتَغْفِرْ (آمرزش بخواه) |
| إِفْتِعَال   | اِفْتَنَعَ (خودداری کرد)  | يَمْتَنِعُ (خودداری می‌کند)   | اِمْتِنَاع (خودداری کردن)  | اِفْتَنِعْ (خودداری کن)   |
| إِنْعِبَال   | انْعَبَ (عقب‌نشینی کرد)   | يُنْشِبُ (عقب‌نشینی می‌کند)   | انْشِبَاب (عقب‌نشینی کردن) | انْشِبْ (عقب‌نشینی کن)    |
| إِفْعَال     | أَجْلَسَ (نشاند)          | يُجْلِسُ (می‌نشاند)           | إِجْلَاس (نشاندن)          | أَجْلِسْ (بنشان)          |

به فعل‌های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین‌الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـَ) و در امر، کسره (ـِ) است.

|                            |                  |
|----------------------------|------------------|
| من فضلكم اجتهدوا.          | (خرداد ۱۴۰۰)     |
| فعل امر از «تَجْتَهِدُونَ» | لطفاً تلاش کنید. |

«اجتهدوا» فعل امر (حرکت عین‌الفعل «کسره» هست.) و از باب «اِفْتِعَال» است و نباید آن را با ماضی «اجتهدوا» اشتباه بگیرید.

حالا به ساخت فعل امر باب‌های «مُفاعلة، تفاعل، تفعیل، تفعّل» دقت کنید. (هنگام امر این فعل‌ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می‌کنیم به راحتی می‌توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.)

|             |                    |
|-------------|--------------------|
| تجاهد امر   | جاهد (مبارزه کن)   |
| تعلّمون امر | تعلّموا (یاد دهید) |

به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «مُفاعلة، تفاعل، تفعیل، تفعّل» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

| باب     | مُفاعلة                       | تفاعل                             | تفعیل                             | تفعّل                          |
|---------|-------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------|
| ماضی    | كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)      | تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)           | عَلَّمَ (یاد داد)                 | تَذَكَّرَ (به یاد آورد)        |
| مضارع   | يُكَاتِبُ (نامه‌نگاری می‌کند) | يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می‌شود)     | يُعَلِّمُ (یاد می‌دهد)            | يَتَذَكَّرُ (به یاد می‌آورد)   |
| مصدر    | مُكَاتَبَة (نامه‌نگاری کردن)  | تَقَاعُد (بازنشسته شدن)           | تَعْلِيم (یاد دادن)               | تَذَكُّر (به یاد آوردن)        |
| امر     | كَاتِبْ (نامه‌نگاری کن)       | تَقَاعَدْ (بازنشسته شو)           | عَلِّمْ (یاد بده)                 | تَذَكَّرْ (به یاد آور)         |
| توضیحات | به ماضی و امر دقت کنید.       | مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید. | ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید. | به ماضی و مصدر و امر دقت کنید. |

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. أَخْرَجَ (خارج کرد) ← لِيُخْرِجَ حَبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا.

(داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)

۲. حَضَرَ (حاضر شد) ← لِيَحْضُرَ أُمِّي فِي الْمَدْرَسَةِ.

(داخل و خارج دی ۱۴۰۴)

۳. عَلِمَ (دانست) ← الْعَبْدُ لِيَعْلَمَ عَظَمَةَ الْخَالِقِ.

(خارج خرداد ۱۴۰۴)

۴. نَظَرَ (نگاه کرد) ← فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ.

(خرداد ۱۴۰۳)

۵. اسْتَمَعَ (گوش فرا داد) ← لِيَسْتَمِعَ كُلُّ طَالِبٍ إِلَى كَلَامِ مُعَلِّمِهِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۶. يُعَامِلُ (رفتار می کند) ← لِيُعَامِلَ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا.

(خرداد خارج ۱۴۰۲)

۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ.

(دی ۱۴۰۱)

۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لِيَتَذَكَّرَ دَرَسُهُ.

(دی ۱۴۰۰)

۹. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لِيَجْتَهِدَ.

(خرداد خارج ۹۹)

۱۰. اِمْتَنَحَ (خودداری کرد) ← لِيَمْتَنَحَ.

(آذر ۱۴۰۱)

۱۱. نَجَحَ (موفق شد) ← لِيَنْجَحَ.

(شهریور ۹۸)

۱۲. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِيُسَاعِدَ.

(شهریور ۹۹)

۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِيُرْسِلَ.

(دی ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. باید خارج کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نُخْرِجُ) ← لِيُخْرِجَ (امر

غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۲. باید حاضر شود (ل + فعل مضارع (تَحْضُرُ) ← لِيَحْضُرَ (امر غایب

← باید + مضارع التزامی)

۳. باید بداند (ل + فعل مضارع غایب (يَعْلَمُ) ← لِيَعْلَمَ (امر غایب

← باید + مضارع التزامی)

۴. باید نگاه کند (ل + فعل مضارع غایب (يَنْظُرُ) ← لِيَنْظُرَ (امر غایب

← باید + مضارع التزامی)

۵. باید گوش فرا دهد (ل + فعل مضارع غایب (يَسْمَعُ) ← لِيَسْمَعَ (امر غایب

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۶. باید رفتار کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نُعَامِلُ) ← لِيُعَامِلَ (امر

غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۷. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا (امر غایب

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۸. باید به یاد بیاورد (ل + فعل مضارع غایب (يَتَذَكَّرُ) ← لِيَتَذَكَّرَ (امر غایب

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۹. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب (يَجْتَهِدُ) ← لِيَجْتَهِدَ (امر غایب

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۱۰. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَمْتَنَحُ) ← لِنَمْتَنَحَ (امر غایب

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۱۱. باید موفق شود (ل + فعل مضارع غایب (يَنْجَحُ) ← لِيَنْجَحَ (امر غایب

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۷. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعَّلَ» است. (دقت کنید «تَعَلَّمُوا» می تونه ماضی هم باشه (: فرا گرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می دهد، این فعل در معنای امر است.)

۸. «إِنْتَقِلُوا: جابه جا شوید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد). و نباید آن را با «إِنْتَقِلُوا: جابه جا شدند» که ماضی است، اشتباه گرفت.

۹. «اسْتَغْفِرُوا: آمرزش بخواید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَغْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.

۱۰. «كَاتَبُوا: نامه نگاری کردند» فعل ماضی است (عین الفعل آن فتحه دارد) و نباید آن را با فعل امر «كَاتَبُوا: نامه نگاری کنید» اشتباه گرفت.

۱۱. «شاهدوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شاهدوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.

۱۲. «الاجْتِهَادُ» مصدر باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «تلاش کردن» است.

۱۳. «الامْتِنَاعُ» مصدر باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «خودداری کردن» است.

۱۴. «المُعَامَلَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» و به معنای «رفتار کردن» است.

۱۵. «سَاعَدَ: کمک کن» فعل امر است.

۱۶. «مُجَالَسَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» و به معنای «هم نشینی کردن» است.

۱۷. «أَرْسَلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» و به معنای «بفرستید» است. (أَرْسَلُوا: فرستادند، فعل ماضی است.)

۱۸. «أَرْسَلَ» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» به معنای «بفرست» است.

۱۹. «أَنْقَذُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» به معنای «نجات دهید» است. (أَنْقَذُوا: نجات دادند، ماضی است.)

۲۰. «إِمْتَنَحَ» فعل امر از باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «خودداری کن» است.

۲۱. «اسْتَعِينُوا» فعل امر از باب «إِسْتِفْعَالُ» و به معنای «یاری بجوید» است.

۲۲. «اعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.

۲۳. «أَذْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.

۲۴. «اجْتَهِدُوا» فعل امر از باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «تلاش کنید» است. («اجْتَهِدُوا: تلاش کردند، ماضی است.)

ساخت فعل امر از صیغه های غایب و متکلم:

• حرف «لِ: باید» بر سر فعل های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می رود. (دقت کنید که «لِ» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می کنه و نون دارها، نونشون حذف میشه به جز نون جمع مؤنث.)

لِيُزِجْ ← باید برگردد (ل + فعل مضارع غایب)

لَايُحِثُّ ← باید جست و جو کنیم (ل + فعل مضارع متکلم)

این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می شود:

باید + مضارع التزامی

پاسخ سؤالات

۱. منع شدید («مُنْعِنَا» فعل ماضی مجهول است.)
۲. یاد شده اند («قَدْ ذُكِرُوا» فعل ماضی نقلی مجهول است.)
۳. منع نشد («مَا مَنَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۴. سؤال شد («سُئِلَ»: فعل ماضی مجهول است.)
۵. آمرزیده نمی شود («لَا يُعْزَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۶. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۷. بُریده نشد («مَا قُطِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۸. آمرزیده نمی شود («لَا يُعْزَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۹. گزینه «۱»: فرود آورده شدند («نُزِّلَ» فعل ماضی مجهول است.)

- هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ی» متصل شود میان نشان «نون» می آید که به آن «وقایه» گفته می شود.
- **أَخَذَ** + ن (وقایه) + ی ← **أَخَذَنِي** (مرا بُرد)
- ضمیر متصل «ی» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می شود.

• **أُزِيدُنِي** ← مرا راهنمایی کن.  
فعل + ن + ی

ماضی / مضارع / امر + ن + ی

← ترجمه ضمیر «ی» (به من، مرا)

فعل هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن هاست مانند «يُخْرُجُ، سَكَنَ، يَقْرَأُ، حَسَنَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

لا تُخْرِنِي (غمگین نشو)

«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ی» مفعول ترجمه نمی شود؛ بلکه فاعل هست.

یا أُخْتِي الْكَرِيمَةَ أَحْسِنِي  
ای خواهر بخشنده ام به بیچارگان  
نیکی کن.

فعل «أَحْسِنِي» امر از «تُحْسِنِينَ» می باشد و ریشه فعل «حَسَنَ» هست، پس «نون» جزو ریشه اصلی فعله و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ی» ضمیر متصل فاعلی هست.

لا يُخْرِنِي (مرا غمگین نمی کند)

«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است و «مرا» ترجمه می شود.

۱۲. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيسَاعِدُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۱۳. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

معلوم و مجهول  
تکرار ۹

- فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَكَلَ الطِّفْلُ طَعَامَهُ.  
فعل فاعل معلوم  
کودک غذایش را خورد.

- تشخیص فعل ماضی مجهول ← حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)
- حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ـُ)

• **كَتَبَ** مجهول ← **كُتِبَ** (نوشته شد)

• **اِكْتَسَبَ** مجهول ← **اُكْتُسِبَ** (به دست آورده شد)

- تشخیص فعل مضارع مجهول ← حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)
- حرف مضارعه: ضمه (ـُ)

• **يَكْتُبُ** مجهول ← **يُكْتَبُ** (نوشته می شود)

- در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می کنیم.

نُصِبَ لَهُ مَنبَرٌ.  
ماضی مجهول  
منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

- در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می شود» و مشتقات آن استفاده می کنیم.

عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانُ.  
مضارع مجهول  
هنگام سختی ها، برادران شناخته می شوند.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. مَنَعَ (منع کرد) ← مُنْعِنَا عَنِ الْمَوَادِّ السَّكَّرِيَّةِ. (داخل و خارج دی ۱۴۰۴)
۲. ذَكَرَ (یاد کرد) ← هُمْ قَدْ ذُكِرُوا بِالْخَيْرِ. (خرداد ۱۴۰۴)
۳. مَنَعَ (منع کرد) ← مَا مَنَعَ الْمَرِيضَ عَنِ الْأَكْلِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۴. سَأَلَ (سؤال کرد) ← سُئِلَ الْمُدِيرُ: أ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ (خرداد ۱۴۰۲)
۵. عَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُعْفَرُ الْمُخْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)
۶. خَلَقَ (آفرید) ← خُلِقَ. (دی ۹۹)
۷. قَطَعَ (برید) ← مَا قُطِعَ رَجَائِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
۸. عَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُعْفَرُ. (آذر ۱۴۰۱)
۹. «نُزِّلَ الْمَلَانِكَةُ تَنْزِيلًا» (خرداد ۹۹)

○ ۱) فرود آورده شدند

○ ۲) فرود آورده می شوند

○ ۳) فرود آمدند


**ایستگاه سؤال**

۲. با من رفتار کن

(عاملُ فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)

۳. مرا حفظ کرده است

(قد حَفِظَ ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)

۴. مرا یاد کرد

(تَذَكَّرْتُ فعل ماضی) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)

۵. به من کمک کن

(سَاعِدْ فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)

۶. به من کمک کنید

(سَاعِدُوا فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)

۷. به من کمک کردند

(سَاعَدُوا فعل ماضی) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)

**تَرْجِمَ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:**

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطُّلَّابُ سَاعَدُونِي.

۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامِلُنِي.

۳. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظَنِي إِيمَانِي.

۴. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← تَذَكَّرْتَنِي جَدَّتِي.

۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعَدَنِي.

۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعَدُونِي.

۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ سَاعَدُونِي.


**پاسخ سؤالات**

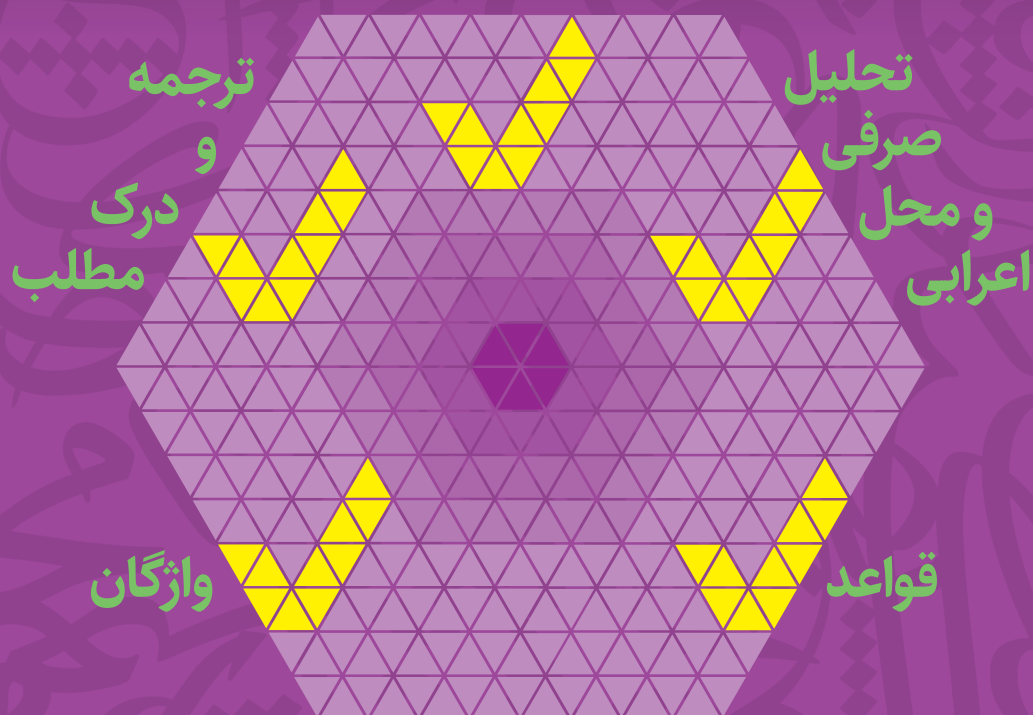
۱. به من کمک کردند

(سَاعَدُوا فعل ماضی) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)

**یادداشت:**

# پاسخنامہ تشریحی

ترجمہ فعل



## پاسخ بخش اول

## ترجمة فعل

- ۱ حاضر نشد، حاضر نشده است (لَمْ + يَحْضُرُ ← لَمْ يَحْضُرْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۲ باید حاضر شود (لَمْ + فعل مضارع (تَحْضُرُ) ← لَمْ يَحْضُرْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
- ۳ سخن گفته بودم (كُنْتُ + قَدْ + فعل ماضی (تَكَلَّمْتُ) ← ماضی بعید)
- ۴ «تَكَلَّمُوا: سخن بگویند» (دقت کنید فعل «تَكَلَّمُوا: سخن گفتند» می تواند ماضی هم باشد اما در این جا با توجه به کلمه «رَجَاء» به معنای «لطفاً» که بر درخواست کار دلالت دارد، ترجمه فعل به صورت امر درست است.)
- ۵ «اِسْتَعْفِرْنَ: طلب آمرزش کنید، آمرزش بخواهید» (فعل امر از «تَسْتَغْفِرْنَ» صیغه للمخاطبات و از باب «اِسْتِفْعَال» است.)
- ۶ آمرزش بخواهد («مَنْ: هر کس ← ادات شرط» / «يَسْتَعْفِرُ: فعل شرط است ← مضارع التزامی)
- ۷ منع شدید («مَنْعًا» فعل ماضی مجهول است.)
- ۸ گاهی منع می کنند، شاید منع کنند (قَدْ + فعل مضارع (يَمْنَعَانِ))
- ۹ نباید بازی کنند (لَا (نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُونَ) ← لَا يَلْعَبُوا ← نباید + مضارع التزامی)
- ۱۰ بازی نخواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (تَلْعَبُ) ← لَنْ تَلْعَبَ ← مستقبل منفی)
- ۱۱ خارج کرده بودید (كُنْتُمْ + قَدْ + فعل ماضی (أَخْرَجْتُمْ) ← ماضی بعید)
- ۱۲ «أَخْرَجْنَ: خارج کنید» (فعل امر از «تُخْرِجْنَ» صیغه للمخاطبات و از باب «إِفْعَال» است.)
- ۱۳ باید خارج کنیم (لَمْ + فعل مضارع متکلم (نُخْرِجُ) ← لَنْ نُخْرِجَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
- ۱۴ به یاد بیاورم (أَنْ + فعل مضارع (أَذْكُرُ) ← أَنْ أَذْكُرَ مضارع التزامی)
- ۱۵ یاد نکرد (ما + ذَكَرْتُ ← ماضی منفی))
- ۱۶ یاد نکردی، یاد نکرده ای (لَمْ + تَذْكُرِينَ ← لَمْ تَذْكُرِي ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۱۷ به دست نیاور. (لَا + فعل مضارع (تَكْتَسِبِينَ) ← لَا تَكْتَسِبِي (فعل نهی))
- ۱۸ به دست نیاوردیم، به دست نیاورده ایم (لَمْ + فعل مضارع (نَكْتَسِبُ) ← لَمْ نَكْتَسِبْ (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۱۹ به دست نمی آورند (لَا + فعل مضارع (يَكْتَسِبَانِ) ← لَا يَكْتَسِبَانِ (مضارع منفی))
- ۲۰ می دانستم (كُنْتُ + فعل مضارع (أَعْلَمُ) ← ماضی استمراری)
- ۲۱ دانسته بودند (كَانَا + قَدْ + فعل ماضی (عَلِمَا) ← ماضی بعید)
- ۲۲ باید بداند (لَمْ + فعل غایب (يَعْلَمُ) ← لَيْعْلَمُ (باید + مضارع التزامی))
- ۲۳ به بند آورید («قَيَّدُوا» فعل امر از «تُقَيِّدُونَ» و از باب «تَفْعِيل» است.)
- ۲۴ به بند آورده اند (قَدْ + فعل ماضی (قَيَّدُوا) ← قَدْ قَيَّدُوا (ماضی نقلی))
- ۲۵ باید کمک کنند (لَمْ + فعل غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لَيْسَاعِدُوا ← باید + مضارع التزامی)
- ۲۶ نباید کمک کنیم (لَا (نهی) + فعل متکلم (تُسَاعِدُ) ← لَا تُسَاعِدُ ← نباید + مضارع التزامی)
- ۲۷ کمک نمی کنی (لَا (نهی) + فعل مضارع (تُسَاعِدِينَ) ← لَا تُسَاعِدِينَ ← مضارع منفی)
- ۲۸ یاد نخواهم کرد (أَنْ + فعل مضارع (أَذْكُرُ) ← لَنْ أَذْكُرَ مستقبل منفی)
- ۲۹ یاد شده اند (قَدْ + فعل ماضی مجهول (دُكِّرُوا) ← فعل ماضی نقلی مجهول)
- ۳۰ یاد کنید («إِنْ: اگر» ← حرف شرط / «تَذْكُرُوا» فعل شرط ← مضارع التزامی)
- ۳۱ بالا نرفت، بالا نرفته است. («لَمْ» + فعل مضارع (تَصْعَدُ) لَمْ تَصْعَدْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی)
- ۳۲ گاهی بالا می روند، شاید بالا بروند (قَدْ + فعل مضارع (يَصْعَدَانِ) ← فعل مضارع به همراه «قَدْ» با قید «گاهی» یا «شاید» به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.)
- ۳۳ می پخت (كَانَتْ + فعل مضارع (تَطْبَخُ) ← ماضی استمراری)
- ۳۴ پخته می شود («يُطْبَخُ» فعل مضارع مجهول است.)
- ۳۵ موفق می شوم («أَنْجَحُ» جواب شرط است و به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود.)
- ۳۶ موفق خواهید شد (سَ + فعل مضارع (تَنْجَحُونَ) ← مستقبل)
- ۳۷ یاد بگیرید («تَعَلَّمَا» فعل امر از «تَتَعَلَّمَانِ» است.)
- ۳۸ یاد نخواهد گرفت (لَنْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ) ← مستقبل منفی)
- ۳۹ همنشینی نمی کنند («لَا» ی نفی + فعل مضارع (يُجَالِسُونَ) ← مضارع منفی)
- ۴۰ باید همنشینی کنند (لَمْ + فعل غایب (يُجَالِسْنَ) ← لَيْجَالِسْنَ (باید + مضارع التزامی))
- ۴۱ کمک نکرد - کمک نکرده است (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُسَاعِدُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۴۲ باید کمک کنند (لَمْ + فعل غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لَيْسَاعِدُوا (باید + مضارع التزامی))
- ۴۳ خوانده ام (قَدْ + فعل ماضی (قَرَأْتُ) ← ماضی نقلی)
- ۴۴ نمی خوانند («لَا» ی نفی + فعل مضارع (يَقْرَؤُونَ) ← مضارع منفی)
- ۴۵ یاد بده («عَلِمَ» فعل امر از «تُعَلِّمُ» است.)
- ۴۶ یاد نخواهد داد (لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← مستقبل منفی)
- ۴۷ خواهد نوشت (سَوْفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل)
- ۴۸ ننویسد («لَا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُونَ) ← لَا تَكْتُبُوا (نهی))
- ۴۹ رفتار نکن («لَا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تُعَامِلُ) ← نهی)
- ۵۰ رفتار می کرد (كَانَ + فعل مضارع (يُعَامِلُ) ← ماضی استمراری)
- ۵۱ رفتار نمی کنید («لَا» ی نفی + فعل مضارع (تُعَامِلُونَ) ← مضارع منفی)

- ۸۱ یاد بگیرید (فعل امر از باب «تَفَعَّلَ»)
- ۸۲ گاهی یاد می‌گیرند (شاید یاد بگیرند) (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۸۳ یاد نگرفت (یاد نگرفته است)
- ۸۴ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَتَعَلَّمُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) به من کمک کردند
- فعل ماضی (سَاعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۸۵ باید کمک کنند (لِ (امر) + فعل مضارع (يُسَاعِدُوا) ← باید + مضارع التزامی)
- ۸۶ کمک خواهیم کرد (سَ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل)
- ۸۷ نباید بنویسند («لَا» ی نهی + فعل مضارع غایب (يَكْتُبُوا) ← نباید + مضارع التزامی)
- ۸۸ نوشته بودند (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبَ) ← ماضی بعید)
- ۸۹ یاری بجوید (فعل امر باب «اِشْتَفَعَال» (عَوْنُ)، جمع مذکر مخاطب)
- ۹۰ یاری می‌جویم (فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «اِشْتَفَعَال»)
- ۹۱ یاری نجوید («لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَشْتَعِينُوا) ← نهی)
- ۹۲ ارزان نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (يَرْخُصُ) ← مستقبل منفی)
- ۹۳ ارزان شده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (رَخِصْتُ) ← ماضی بعید)
- ۹۴ تعمیر کردن (مصدر باب «تَفَعَّلَ»)
- ۹۵ تعمیر نکرد (تعمیر نکرده است) (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُصْلَحُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۹۶ تعمیر می‌کردند (كانوا + فعل مضارع (يُصَلِّحُونَ) ← ماضی استمراری)
- ۹۷ نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)
- ۹۸ نزدیک می‌شوند (فعل مضارع، جمع مذکر غایب، باب «تَفَعَّلَ»)
- ۹۹ نزدیک نخواهیم شد (لَنْ + فعل مضارع (تَتَقَرَّبُ) ← مستقبل منفی)
- ۱۰۰ نفرست («لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسَلُ) ← نهی)
- ۱۰۱ نفرستادند (نفرستاده‌اند) (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُرْسِلُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۱۰۲ فرستاده است (فرستاد) (قَدْ + فعل ماضی (أُرْسِلَ) ← ماضی نقلی یا ساده)
- ۱۰۳ خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع (يَمْتَنِعُ) ← ماضی استمراری)
- ۱۰۴ خودداری کن (فعل امر باب «اِفْتِعَال»، مفرد مذکر مخاطب)
- ۱۰۵ آمرزیده نمی‌شود («لَا» ی نفی + فعل مضارع (يُعْفَرُ) ← مضارع منفی مجهول)
- ۱۰۶ آمرزیده است (آمرزید) (قَدْ + فعل ماضی (عَفِرَ) ← ماضی نقلی یا ساده)
- ۱۰۷ به یاد نیافرید (ما + فعل ماضی (تَذَكَّرْتُ) ← ماضی منفی)
- ۱۰۸ به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)
- ۱۰۹ باید به یاد آورد (بیاورد) (لِ (امر) + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← باید + مضارع التزامی)
- ۱۱۰ کمک نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل منفی)
- ۱۱۱ کمک نکردند (کمک نکرده‌اند) (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُسَاعِدُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۱۱۲ به من (مرا) کمک کن (فعل امر (سَاعِدْ) + ن (وقایه) + ضمیر متصل)

- ۵۲ نگاه کنید (فعل امر از صیغه «تَنْظُرُونَ» است.)
- ۵۳ باید نگاه کند (لِ (امر) + فعل غایب (يَنْظُرُ) ← لِيَنْظُرَ (مضارع التزامی))
- ۵۴ نگاه کرده بودم (كُنْتُ + قَدْ + فعل ماضی (نَظَرْتُ) ← ماضی بعید)
- ۵۵ یاد گرفتم (فعل ماضی ساده و صیغه متکلم مع الغیر است.)
- ۵۶ گاهی یاد می‌گیرد، شاید یاد بگیرد (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ) ← فعل مضارع به همراه «قَدْ» با قید «گاهی» یا «شاید» (به صورت التزامی) ترجمه می‌شود.)
- ۵۷ دانستی (فعل ماضی ساده)
- ۵۸ نمی‌دانید («لَا» ی نفی + فعل مضارع (تَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
- ۵۹ بازی خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يَلْعَبُ) ← مستقبل)
- ۶۰ نباید بازی کند («لَا» ی نهی + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لا يَلْعَبُ ← نباید + مضارع التزامی)
- ۶۱ اجازه نده («لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَسْمَحِي) ← نهی)
- ۶۲ اجازه نداد، اجازه نداده است (لَمْ + فعل مضارع (تَسْمَحُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۶۳ نپریدم (ما + فعل ماضی (فَقَرْتُ) ← ماضی منفی)
- ۶۴ می‌پرند (فعل مضارع ساده اخباری)
- ۶۵ سخن بگوید (فعل امر از باب «تَفَعَّلَ» است.)
- ۶۶ که سخن بگویم (أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلَّمُ) ← أَنْ أَتَكَلَّمُ ← مضارع التزامی)
- ۶۷ باید گوش فرا بدهد (لِ + فعل مضارع غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
- ۶۸ گوش فرا داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
- ۶۹ منع نشد («ما مُنِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
- ۷۰ منع نکنید (لا + تَمْنَعُونَ ← لا تَمْنَعُوا (نهی))
- ۷۱ گزینه «۲»: «زُمَلَاء» جمع مکسر و مذکر عاقل است و فعل «حَضَرُوا» مناسب جای خالی است.
- ۷۲ گزینه «۳»: يَطْوُفُ «الحاج» مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغه مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی است. ← ترجمه عبارت: حج گزار هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کند.
- ۷۳ سؤال می‌کنید (مضارع اخباری)
- ۷۴ سؤال شد («سُئِلَ» فعل ماضی مجهول است.)
- ۷۵ گاهی تلاش می‌کنند (شاید تلاش کنند) (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ))
- ۷۶ تلاش نکرد / تلاش نکرده است (لَمْ + تَجْتَهِدُ ← لَمْ تَجْتَهِدْ (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۷۷ گرمی بدارید (فعل امر از باب «اِفْعَال» است.)
- ۷۸ باید گرمی بداریم (لِ (امر) + فعل متکلم (نُكْرِمُ) ← لِنُكْرِمَ ← مضارع التزامی)
- ۷۹ گزینه «۳»: «شَبَابُ» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.
- ۸۰ گزینه «۱»: تَوَكَّدُ (با توجه به «الآثار» که بر جمع مکسر غیر عاقل دلالت دارد، فعل در صیغه مفرد مؤنث می‌آید.) ← ترجمه عبارت: آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.